مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

احتمال تسلط داعش بر سوریه

The Daily Telegraph

روت شرلوک و مگدی سامان: پوسترهای بشار اسد، رئیس‌جمهور زمانی با افتخار در پایتخت برافراشته بود و طرفداران رژیم با اطمینان شکست مخالفان شورشی را که «تروریست» می‌نامند، پیش‌بینی می‌کردند اما در چند هفته گذشته شورشیان با طیفی از پیروزی‌های میدانی روند جنگ را علیه نیروهای اسد تغییر داده‌اند.

در شمال، یک ائتلاف شورشی جدید موسوم به «ارتش فتح» مرکز استان ادلب و بخش زیادی از مناطق اطراف را به تصرف درآورد و با پیشروی به سمت جسرالشغور اکثر بخش‌های این شهر راهبردی و مهم را تصرف کرد و حدود ۲۵۰ سرباز سوری را در داخل بیمارستان آن تحت محاصره درآورد. آن پیروزی تهدیدی برای خطوط تدارکاتی لاذقیه موطن ساحلی فرقه علوی است. در جنوب یک اتحاد شورشی دیگر موسوم به «جبهه جنوبی» با موفقیت‌های پی‌درپی در استان درعا چندین روستای تحت کنترل مخالفان سوری را به یک سرزمین تحت کنترل شورشیان تبدیل کرد. در صورت ادامه این روند، شورشیان می‌توانند به سمت شمال و در امتداد شاهراه اصلی دمشق پیشروی کنند.

این شکست‌های میدانی موجب اختلافاتی در درون رده‌های بالای رژیم شده است و شواهد حاکی از رویارویی اطرافیان اسد از جمله رهبران شبکه قوی آژانس‌های اطلاعاتی آن با یکدیگر است. اوایل این هفته تلگراف فاش کرد علی مملوک، رئیس دایره امنیتی ملی تحت بازداشت خانگی قرار گرفته است. طبق برخی گزارش‌ها، او احتمالا بدون مجوز اسد با سازمان اطلاعات ترکیه تماس گرفته بود. یک منبع مطلع به تلگراف گفت، او فقط با مجوز رژیم و تحت کنترل شدید می‌تواند از خانه خارج شود.

رژیم سوریه در تلاش برای رد این ادعاها عکسی منتشر کرد که ظاهرا مملوک را در کنار رئیس‌جمهور در زمان ملاقات با یک هیات ایرانی نشان می‌دهد اما منابع داخلی رژیم به تلگراف گفتند این یک اقدام برنامه‌ریزی شده بود و همه اختیارات از او سلب شده است. یک تاجر سوری مطلع که خواست نامش فاش نشود، گفت: رژیم سوریه بسیار توخالی‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود و مقامات رسمی قبلا آماده شده‌اند تا در صورت فروریختن تصویر فرافکنی شده امکان پیروزی پا به فرار بگذارند.

این رویدادها نه به معنای خاتمه قطعی کار اسد است و نه پیروزی دشمنان شورشی وی، اما نشان می‌دهد چگونه ۴ سال جنگ داخلی دولت سوریه را ضعیف کرده است به‌طوری که قدرت در حلقه‌ای از رؤسای امنیتی متمرکز است و تسلط آنها بر قدرت ممکن است به آن محکمی که تبلیغات می‌شود، نباشد.

این شکست‌ها همچنین نشان می‌دهد چگونه اسد مجبور شده است به لحاظ پول و نیرو به ایران متحد منطقه‌ای‌اش متکی باشد که به قیمت صرف‌نظر از بخش زیادی از حاکمیت سوریه تمام شده است. انزجار از واگذاری استقلال ملی کشور به ایران می‌تواند توضیحی برای اختلافات در صدر رژیم سوریه باشد.

ارتش ملی سوریه پس از ۴ سال تضعیف پیوسته دیگر رکن اصلی نیروهای طرفدار رژیم محسوب نمی‌شود. در عوض، اسد مجبور است به جنگجویان سپاه پاسداران و حزب‌الله متحد لبنانی ایران متکی باشد. رژیم سوریه همچنین به «نیروی دفاع ملی»- یک نیروی شبه‌نظامی فرقه‌ای علوی با بودجه ایران و جنگجویان شیعه داوطلب از عراق و حتی افغانستان – وابسته است. حسن حسن کارشناس مسائل ایران گفت: وابستگی رژیم سوریه به ایران به یک چالش واقعی برای مقامات نظامی کشور تبدیل شده است به‌طوری که افسران علوی سوری احساس می‌کنند اختیارات آنها غصب شده است و این نارضایتی با کناره‌گیری ژنرال‌ها از سمت‌هایشان و خانه‌نشینی یا ترک کشور توسط آنها آشکارتر می‌شود.

در ضمن، کشورهای حامی شورشیان به هم نزدیکتر شده‌اند. ملک سلمان شاه سعودی از زمانی که به تخت نشست، به ترمیم روابط این کشور با ترکیه و قطر پرداخته و با آنها برای مسلح کردن و حمایت مالی از اتحاد شورشی که ادلب را تصرف کرد، متحد شده است. داعش نیز تهاجمات خود در سوریه را تشدید کرده و از تحکیم سلطه خود بر سرزمین‌های تحت کنترلش به گسترش دامنه نفوذ خود روی آورده است. جهادیون خطوط تدارکاتی بین حمص مرکز استانی تحت کنترل رژیم و شهر دیرالزور را که در محاصره سرزمین تحت کنترل داعش است و هنوز بخشی از نیروهای دولتی در آنجا حضور دارند، قطع کرده‌اند. در بخش دیگری از شمال، داعش همچنین یک پایگاه نیروی هوایی سوریه را در نزدیکی حلب تحت محاصره دارد.

چارلی ویلیام، محقق اندیشکده بنیاد کوئیلیام می‌گوید، جهادیون اعلامیه‌هایی شامل ۳ شماره موبایل در آن پایگاه منتشر می‌کنند تا سربازان را تشویق کنند در صورت تصمیم به تسلیم شدن با آنها تماس بگیرند.

با کاهش هر چه بیشتر نیروهای سوری، رژیم این کشور برای جذب نیرو به‌جای سربازانی که کشته یا متواری شده‌اند، تلاش می‌کند. احتمالا یک‌سوم همه مردان علوی در سن خدمت نظام در این جنگ داخلی کشته شده‌اند.

خانواده‌های علوی تمایل هر چه کمتری به اعزام فرزندان‌شان به جنگ برای حفظ اسد در قدرت دارند. با توجه به فشار سنگین تحریم‌ها و هزینه‌های جنگ بر اقتصاد سوریه، مقامات دولتی قادر به حفظ یارانه‌های سوخت و غذا نبوده‌اند و این امر موجب افزایش انزجار عمومی می‌شود.

گفته می‌شود واحدهای نظامی سوریه که به لحاظ توان نظامی و روحیه تضعیف شده‌اند، از نواحی شمالی عقب‌نشینی کرده‌اند تا از دمشق و دیگر مناطقی که نقش محوری در بقای رژیم دارند، حفاظت کنند. در خطوط مقدم اغلب جنگجویانی از حزب‌الله و شبه‌نظامیان علوی حضور دارند.

حفظ اسد در قدرت برای ایران حیاتی است چون از سوریه به عنوان یک مسیر تدارکاتی برای ارسال تسلیحات پیشرفته برای حزب‌الله لبنان استفاده می‌کند اما در حالی که این جنگ وارد پنجمین سال می‌شود، حتی ایران نیز احساس فشار می‌کند.

اقتصاد ایران به موجب تحریم‌ها و سقوط قیمت نفت فلج‌شده است و این امر سوالاتی را مطرح می‌سازد که این کشور تا چه زمانی می‌تواند برای حفظ اسد در قدرت سرمایه‌گذاری کند. دیپلمات‌های غربی به‌طور خصوصی می‌گویند اگر ایران بتواند به توافقی دست یابد که منافع آن در سوریه حفظ شود، شاید به قربانی شدن اسد راضی شود اما اگر قرار باشد فردی از درون رژیم سوریه جای او را بگیرد، این تغییر ممکن است چیزی بیش از یک تغییر صوری نباشد.

دولت‌های غربی و متحدان عربی‌شان خواهان برکناری اسدند اما از پیامدهای فروپاشی ناگهانی و کنترل نشده رژیم وی هراس دارند. تحت این شرایط، شورشیان - که اکنون قویا و عمیقا فرقه‌ای است- دمشق و مناطق تحت کنترل اقلیت علوی را تسخیر خواهند کرد و این خطر بسیار واقعی وجود دارد که علوی‌ها در یک قتل‌عام فرقه‌ای قربانی شوند. یک راه‌حل دیپلماتیک برای این جنگ شامل عزیمت اسد احتمالا به مسکو یا تهران و تغییر حاکمیت، اما حفظ نهادهای رژیم از جمله شبکه امنیتی آن خواهد بود که عامل پیوستن بسیاری از سوری‌ها به اولین اعتراضات در سال ۲۰۱۱ بود. طبق این سناریو - در صورت تصویب- جنگ فرسایشی تضعیف کننده حتی پس از برکناری اسد ادامه خواهد داشت. قدرت هر کسی که در دمشق در مسند ریاست‌جمهوری قرار گیرد، همچنان متزلزل خواهد بود و به سمت جنگ سالاران شورشی سوق پیدا می‌کند که اکنون بخش‌های وسیعی از سوریه را تحت کنترل دارند. شورشیان تسلط‌شان بر قلمرو خود در شمال و جنوب را تحکیم می‌بخشند ضمن آنکه داعش منطقه شرقی در امتداد دره فرات را تحت کنترل خواهد داشت. فروپاشی آرام و خونین سوریه - با اسد یا بدون اسد- ادامه خواهد داشت.

دیلی‌تلگراف

شبه‌نظامیان شیعه، مهم‌ترین برگ امنیتی- سیاسی ایران در عراق

Bloomberg VIEW

ژوئن ۲۰۱۴ مقامات ایرانی و مسؤولان شیعه در نجف به پیشروی‌های سریع داعش و فتح شهرهای عراق به دست این گروه، با شکل دادن سریع به نیروهایی شبه‌نظامی، واکنش نشان دادند. نیروهای قدس ایران به رهبری ژنرال قاسم سلیمانی ده‌ها گروه شبه‌نظامی را که عمدتا شیعه بودند، ایجاد کردند تا از توسعه بیشتر نیروهای داعش جلوگیری کنند. در طول ۳ ماه گذشته این نیروهای شبه‌نظامی در کنار ارتش عراق یکسری عملیات تهاجمی را انجام داده و به دستاوردهای عمده‌ای در شهرهای مهمی چون الرمادی و تکریت رسیده‌اند. با این حال شکست دادن نیروهای داعش در عراق، فقط یک هدف کوتاه‌مدت برای این گروه‌های شیعه تحت رهبری ایران است. آنها با دولت عراق مذاکره کرده و بر آن فشار سیاسی آورده‌اند تا برای خود مشروعیت کسب کنند. حیدرالعبادی، نخست‌وزیر عراق رسما اعلام کرد الحشد الشعبی (یگان‌های بسیج مردمی) «یک حزب سیاسی رسمی و از ستون‌های دولت عراق است.» بنابراین در بودجه سال ۲۰۱۵ عراق برای گروه الحشدالشعبی، بودجه‌ای در نظر گرفته شد. این گروه بین ۶۰ تا ۹۰ هزار نیرو دارد. اکثر اعضای این گروه شیعه‌های دوازده امامی هستند و به این ترتیب به فتواهای صادره از سوی مقامات شیعه در نجف و آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر عالی ایران گوش می‌سپرند. نام این گروه - یگان‌های بسیج مردمی- تا حدی شبیه نام سازمان بسیج مستضعفان ایران است. بسیج ایران در سال ۱۹۸۰ به دستور آیت‌الله روح‌الله خمینی تاسیس شد و هدف از آن رسیدن به یک ارتش ۲۰ میلیونی بود. بسیج در ایران زیرشاخه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و یکسری وظایف مشخص را برای خود تعریف کرده است. سازمان بسیج عراق نیز نظیر بسیج ایران، با یک فتوا از سوی عالی‌ترین مقام مذهبی شیعه عراق یعنی آیت‌الله علی سیستانی تشکیل شد.

به دنبال اقدامات اخیر دولت عراق، نسخه بسیج این کشور اکنون بخشی از وزارت کشور به شمار می‌رود. این نیروها مجبور نیستند به قوه‌قضائیه عراق پاسخگو باشند و اگر قوانین را نقض کنند به دادگاه احضار نمی‌شوند. به عبارت دیگر با توجه به تجهیزات نظامی، توانمندی‌های لجستیکی، مزایای مالی و مصونیت قانونی، یگان‌های بسیج مردمی عراق، اکنون توانمندتر و مهم‌تر از ارتش عراق است. این گروه شبه‌نظامی با هزاران عضو، اکنون مهم‌ترین برگ امنیتی- سیاسی ایران در عراق است. رسانه‌های ایران در چند ماه گذشته به شکل گسترده به انتشار اخبار درباره بسیج عراق پرداخته‌اند. اگرچه فعالیت این نیروهای شیعه عراقی در زمانی که با داعش می‌جنگند، ممکن است مفید باشد اما زمانی که داعش شکست خورده باشد، فعالیت آنها مشکل‌آفرین خواهد شد. اگرچه سنی‌ها ممکن است زمانی که داعش شکست خورده باشد، علیه نیروهای مردمی اقدام کنند، اما جامعه سنی دیگر هیچ ابزار تهاجمی برای نفوذ در عراق نخواهد داشت.

نیروی قدس ایران از قبل با شبه‌نظامیان درون عراق متحد شده است و این امر به پیشبرد دستورکار همسو با تهران کمک می‌کند. نیروی قدس می‌خواهد اطمینان یابد که نیروهای مردمی با دیگر شبه‌نظامیان طرفدار ایران رقابت نمی‌کنند و به شکل موازی با آنها برای ایجاد یک بنیاد قوی و باثبات از سازمان‌های سیاسی شیعی طرفدار ایران در عراق همکاری می‌کند.

مقامات شیعه ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ با تاسیس بسیج توانستند بر ناآرامی‌های پس از انقلاب غلبه و مواضع خود را حاکم کنند. اکنون یگان‌های بسیج مردمی یا بسیج عراق، مهم‌ترین عامل در این کشور به شمار می‌رود. اینکه آنها پس از ناآرامی‌های عراق به دنبال ایفای چه نقشی هستند، به قدرت دیگر نهادها و نقش‌آفرینان عراق بستگی خواهد داشت.

بلومبرگ

اوباما رویکردی دومرحله‌ای در خاورمیانه اتخاذ کرده است

The Washington Post

دیوید ایگناتیوس: باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا از زمان سخنرانی خود در سپتامبر ۲۰۱۳ در سازمان ملل، بارها برای متقاعد کردن عربستان سعودی و دیگر متحدان حاشیه خلیج‌فارس در این باره تلاش کرده که واشنگتن واقعا متعهد به امنیت آنهاست. او تاکنون چندان موفق نبوده است اما هفته قبل در نشستی در کمپ‌دیوید در این باره باز هم تلاش کرد. رویکرد اوباما، بخشی از یک ایده استراتژیک بزرگ برای خاورمیانه است که می‌توان آن را به صورت «تعامل دوگانه» توصیف کرد. از یک طرف، آمریکا به دنبال توافق با ایران برای محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای آن است، از طرف دیگر، آمریکا خواستار تقویت عربستان سعودی و همسایگان ریاض از طریق تعهدات جدید نظامی واشنگتن است. هدف، ایجاد تعادل نهایی بین ایران کمتر تهدیدکننده و عربستان مطمئن‌تر و ترقی‌خواه‌تر است.

یک مقام ارشد دولت آمریکا توضیح داد: «ما نیازمند شکل دادن به این وضعیت هستیم به طوری که کشورهای حاشیه خلیج فارس توانایی تعامل با ایران از موضع برابری بیشتر را داشته باشند.» حمایت آمریکا از عملیات نظامی عربستان سعودی در یمن علیه حوثی‌های مورد حمایت ایران، بخشی از تلاش واشنگتن برای برقراری توازن در منطقه‌ای است که ایران و عواملش مدتی است در آنجا به موفقیت‌هایی دست می‌یابند.

ابتکار آمریکا، یک ابتکار پیچیده دومرحله‌ای است که سخن «مایکل کورلئون» در فیلم «پدرخوانده ۲» را به یاد می‌آورد: «دوستان خود را نزدیک نگه دارید، اما دشمنان خود را نزدیک‌تر نگه دارید». عربستان سعودی و همسایگان آن با مشاهده اینکه ایران و آمریکا در حال نزدیک‌تر شدن هستند، گاهی اوقات باید این سوال را از خود بپرسند که دوستان یا دشمنان واشنگتن هستند. هدف از برگزاری نشست کمپ‌دیوید، کاستن از این اضطراب بود. «محمد بن‌زاید» رهبر نظامی امارات عربی متحده حتی پیش از نشست کمپ‌دیوید با اوباما دیدار کرد. امارات عربی متحده در ابتدا خواستار یک معاهده رسمی برای دفاع از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در برابر تجاوز خارجی بود.

یک مقام کاخ سفید اعلام کرد چنین پیمانی با توجه به مشکلات تصویب در مجلس سنا واقع‌بینانه و لازم نیست.

این مقام افزود: «ما می‌توانیم تضمین‌های امنیتی به متحدان خود را افزایش دهیم تا این اطمینان‌خاطر در آنها به وجود بیاید که در صورت لزوم برای کمک حاضر خواهیم بود.»

او گفت کاخ سفید در حال حاضر در حال گفت‌وگو با نمایندگان شورای همکاری خلیج فارس درباره جزئیات همکاری نظامی بیشتر از جمله تجهیزات، آموزش، سیستم‌های سلاح‌های پیشرفته و تمرینات نظامی مشترک است. یمن موردی از اوضاع پرهرج و مرج منطقه است. اوباما با وجود داشتن تردیدهایی، از جنگ هوایی ۲ ماهه عربستان سعودی و امارات عربی متحده برای مهار حوثی‌ها استقبال کرده و آنها را برای حرکت به سمت یک راه‌حل سیاسی تحت فشار قرار داده است.

مقام دولت آمریکا گفت: «در برهه‌ای، حملات هوایی تاثیرات رو به کاهش و حاشیه‌ای داشته است. نباید این موضوع را فراموش کرد که درگیری یمن باید به طور سیاسی حل شود.» عربستان سعودی و امارات برای حرکت در این جهت تلاش کرده‌اند.

کاخ سفید علنا حمایت خود را از عملیات یمن اعلام کرده است اما مقامات نگران هستند که این کشور گورستان چنین تصورات خوش‌بینانه‌ای بوده است و اینکه هدف واقعی ایران ممکن است وارد کردن عربستان سعودی به یک باتلاق بوده باشد. کاخ سفید هدفی نهایی از گردهمایی کمپ‌دیوید دارد و آن تشویق به اقدام علیه تهدیدات داخلی امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس از جانب گروه‌های افراطی مانند جنگجویان داعش به جای تمرکز صرف بر تهدید خارجی از جانب ایران است.

دولت آمریکا معتقد است کشورهای عربی به سبب جنگ‌های نیابتی فرقه‌ای با ایران در عراق، سوریه و اکنون در یمن، دچار مشکل شده‌اند.

در خاورمیانه‌ای بشدت بی‌ثبات، خوب است ۲ رویداد مثبت را به یاد داشته باشیم: نخست، آمریکا و ایران پس از ۳۶ سال دشمنی به شکلی سازنده صحبت می‌کنند.

دوم، آمریکا به شکلی صادقانه و خلاقانه با متحدان آشکارا نگران خود در حاشیه خلیج‌فارس صحبت می‌کند. سیاست خوب موجب می‌شود این دو روند به شکلی همگرایی داشته باشند که در دهه آینده، به تدریج موجب برقراری ثبات در منطقه شوند.

مقامات کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس زمانی رنجیده‌خاطر می‌شوند که اوباما همانطور که به «تام فریدمن» از «نیویورک‌تایمز» گفت، بگوید: «بزرگ‌ترین تهدیداتی که کشورهای عربی ممکن است با آنها روبه‌رو شوند، ممکن است از طرف تهاجم ایران نباشد بلکه از داخل کشورهایشان باشد».

کشورهای عربی نباید نگران باشند. چنین سخنان صریحی، بخشی از دوستی و اتحاد واقعی است.

واشنگتن‌پست

اطلاعات مربوط به فعالیت هسته‌ای باید محرمانه باقی بماند

THE BROOKINGS INSTITUTE

جاشوا راونر: اطلاعات محرمانه نقشی علنی در بحث‌های کنونی بر سر توافق هسته‌ای احتمالی ایران دارد. اگر این توافق تا پایان ماه ژوئن نهایی شود، ایران بخش اعظم ظرفیت‌های غنی‌سازی اورانیوم کنونی خود را در ازای لغو برخی تحریم‌های اقتصادی فدا خواهد کرد و مجبور خواهد شد برای راستی‌آزمایی پایبندی‌اش به این توافق به مدت بیش از یک دهه یک برنامه سختگیرانه بازرسی‌ها را بپذیرد. حضور بازرسان فرصت‌های جدیدی را برای جمع‌آوری اطلاعات فراهم خواهد کرد؛ نه فقط آژانس‌های جاسوسی از گزارش‌های بازرسی از برنامه هسته‌ای ایران سود خواهند برد، بلکه آنها آزاد خواهند بود به حوزه‌های دیگر زیرساخت‌های علمی و صنعتی مرتبط با آن سرک بکشند.

مقامات دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا ابراز اطمینان کرده‌اند که جامعه اطلاعاتی قادر خواهد بود ایران را از نزدیک تحت نظر بگیرد و جامعه اطلاعاتی نیز جواب این تعریف و تمجید را داده است. جان برنن، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) اخیراً در یک نشست علنی ابراز خرسندی کرد که ایران امتیازات بسیاری داده است. وی همچنین از دیپلمات‌های آمریکایی برای دستیابی به توافقی که به گفته وی «محکم‌تر از آن ممکن نبود» تقدیر کرد. هیچ دلیلی وجود ندارد که در صداقت برنن شک کنیم. در واقع، هرچند روابط سیاستگذاران آمریکا و مقامات دستگاه‌های اطلاعاتی گاهی اوقات شکرآب است، وقتی مساله ایران به میان می‌آید دو طرف در یک موضع هستند. برآوردهای دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا که از حالت محرمانه خارج شده است با اظهارات مقامات دولتی درباره پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران کاملا همخوانی دارد. از سال ۲۰۰۷ جامعه اطلاعاتی آمریکا تاکید کرده است ایران برنامه فعال تولید سلاح هسته‌ای ندارد، اما متعهد است که ظرفیت غنی‌سازی خود را حفظ کند. هرچند برخی تندروها از این برآوردها انتقاد کرده‌اند، اما هیچ چیزی وجود ندارد که حاکی از مخالفت جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور سابق یا اوباما، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا با این برآوردها باشد. اگر اطلاعات موجود درباره ایران به همان خوبی و اعتباری باشد که سیاستگذاران باور دارند، در آن صورت هیچ دلیلی وجود ندارد که جامعه اطلاعاتی نگران توانایی خود برای نظارت بر پایبندی ایران به توافق هسته‌ای احتمالی باشد. اما این هم‌افزایی میان نهاد اطلاعاتی و نهاد سیاستگذاری ممکن است تا ابد ادامه نیابد. مثلا اگر جامعه اطلاعاتی متوجه شود که ایران تقلب می‌کند، چه خواهد شد؟ دولت با هزینه‌ای که به پای توافق هسته‌ای ریخته، ممکن است تمایل یا توانایی پذیرفتن اینگونه خبرهای بد را نداشته باشد؟ بدتر اینکه، با توجه به اینکه سیاستگذاران از برآوردهای دستگاه‌های اطلاعاتی به‌عنوان یک امتیاز بزرگ برای تبلیغ توانایی این دستگاه‌ها برای راستی‌آزمایی پایبندی ایران به توافق استفاده می‌کردند، جامعه اطلاعاتی تحت فشار خواهد بود تا درباره فعالیت‌های ایران به‌صورت علنی گزارش بدهد. سیاستگذاران به جای اینکه اینگونه اطلاعات را محرمانه نگه دارند، وسوسه خواهند شد تا از طریق اعمال فشار بر مقامات اطلاعاتی برای گزارش دادن یافته‌هایی که با دیدگاه‌های آنها همخوانی دارد، این اطلاعات را علنی کنند. مقامات اطلاعاتی در این مرحله با گزینه دشواری مواجه خواهند شد. از یک طرف، آنها می‌توانند در برابر این فشارها برای تغییر دادن لحن یا محتوای برآوردهای خود مقاومت کنند. آنها همزمان ممکن است نگران خرج کردن کل سرمایه سیاسی خود با شلیک یک تیر باشند که در آن صورت منزوی و از روند سیاسی خارج خواهند شد.

همانطور که در هرگونه رابطه مشورتی وجود دارد، روابط مقامات اطلاعاتی و سیاستگذاران تعاملی است. با این حال، به همان اندازه که مقامات اطلاعاتی می‌خواهند امروز درباره حقایق حرف بزنند، نگران هزینه‌ای هستند که بابت آن باید در آینده بپردازند. البته ایران تنها مشغله آنها نیست و تصور می‌شود مقامات اطلاعاتی خواهان مشارکت در بحث و اظهارنظر درباره مسائل گوناگونی از قبیل مبارزه با تروریسم تا سیاست قدرت‌های بزرگ باشند. به این دلیل، آنها ممکن است وارد نوعی «سیاسی‌کاری نرم» شوند و نتیجه‌گیری‌های خود را تعدیل کنند یا آن را به شکلی ارائه دهند که انواع تفسیرهای محتمل و باورکردنی از شواهد اساسی واحد امکان‌پذیر باشد. اگر این اتفاق بیفتد، سیاستگذاران قادر خواهند بود ادعا کنند که براساس بهترین اطلاعات موجود، تصمیمات را اتخاذ کرده‌اند. مقامات اطلاعاتی اغلب تسلیم این وسوسه شده‌اند که برآوردهایی را که با دیدگاه‌های سیاستگذاران همخوانی ندارد، تعدیل کنند. درک دلیل این کار چندان دشوار نیست. روبه‌رو شدن سیاستگذاران با اخبار بد شبیه دستورالعملی برای واگذاری قدرت و نفوذ خود، بویژه در زمانی است که یافته‌های اطلاعاتی، منطق تصمیمات سیاستگذاران را به چالش می‌کشد.

دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا نباید برآوردهای اطلاعاتی خود را مطابق با میل سیاستگذاران تعدیل کنند. در دهه گذشته جامعه اطلاعاتی آمریکا جنجال‌ها و رسوایی‌های مکرر را به سلامت پشت سر گذاشته و علتش نیز این نبوده است که وارد بازی‌های سیاسی شده است بلکه به این علت بوده که کارش را خوب انجام داده است. اگر جامعه اطلاعاتی متوجه تقلب و فریبکاری ایران در اجرای توافق هسته‌ای احتمالی بشود، باید با صراحت آن را اعلام کند، حتی اگر این به معنای آزردن سیاستگذارانی باشد که سرمایه زیادی را به پای این تلاش‌ها ریخته‌اند. پیامدهای درازمدت سیاسی‌کاری نرم بسیار بیشتر از ناراحتی کوتاه‌مدت ناشی از صداقت خواهد بود.

درسی که سیاست‌گذاران می‌گیرند این است که اطلاعات محرمانه را علنی نکنند. استفاده از اطلاعات برای مقبول جلوه دادن توافق با ایران، این انتظار را تقویت خواهد کرد که ارزیابی‌های اطلاعاتی آینده نیز علنی شود. این کار نیز وسوسه اعمال فشار بر آژانس‌های اطلاعاتی را برای اینکه یافته‌های خود را مطابق با اظهارات مقامات دولتی تنظیم کنند و مقامات اطلاعاتی یافته‌های خود را چنان تعدیل کنند که ضرری به سیاست دولت نرساند، افزایش می‌دهد. نتیجه نیز نتیجه‌گیری‌های قابل انعطافی خواهد بود که به درد هیچ‌کس نخواهد خورد. اطلاعات مربوط به ایران امروز بسیار معتبر است و روابط مقامات اطلاعاتی با سیاستگذاران نیز سالم. بهترین کاری که دولت می‌تواند برای حفظ این رابطه سالم کنونی انجام دهد این است که اطلاعات محرمانه را از نگاه عموم دور نگه دارد.

موسسه‌بروکینگز

مناجات شعبانیه

امام خمینی (ره): مناجات شعبانیه، از مناجات هایی است که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می رساند.

چهارشنبه های ماه شعبان

حاج احمد زین العابدین ۹۴/۲/۳۰
حاج سید مهدی میرداماد ۹۴/۳/۶
حاج محمد جواد احمدی ۹۴/۳/۱۳
حاج علی قربان ۹۴/۳/۲۰

بلافاصله بعد از نماز مغرب و عشاء

آستان مقدس حضرت صالح ابن موسی الکاظم (ع) تجریش
www.saleh.ir سامانه پیامکی آستان ۳۰۰۰۸۰۰۵
تلفن گویای قرآنی آستان: ۰۹۰۹۰۷۰۳۱۵

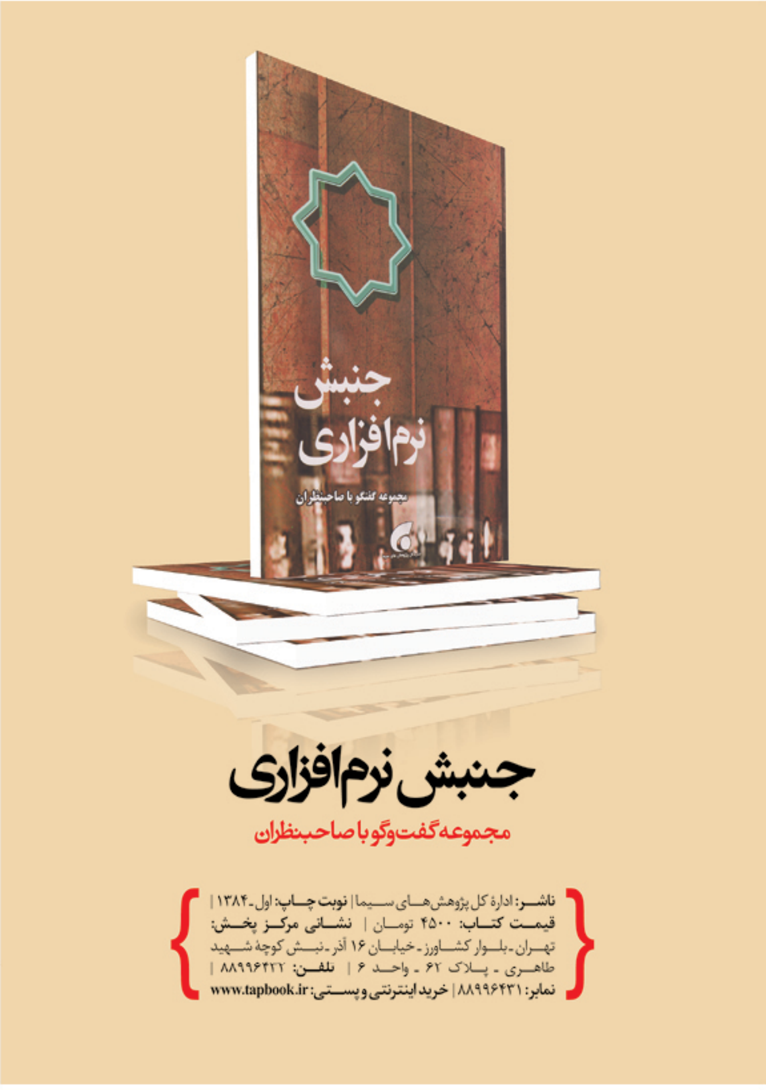

جنبش نرم‌افزاری
مجموعه گفت‌وگو با صاحبنظران

ناشر: اداره کل پژوهش‌های سیما | نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴ |
قیمت کتاب: ۴۵۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش:
تهران ـ بلوار کشاورز ـ خیابان ۱۶ آذر ـ نبش کوچه شهید طاهری ـ پلاک ۶۲ ـ واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۳۲
نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir

اینجا سیسیل نیست!

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

■ **از باغ پسته تا...**

شاید دارایی معلوم و مشروعی شامل مقداری باغ کشاورزی و زمین آبادنشده در «علی‌آباد» داشته باشند ولی قطعا این میزان ثروت برای اداره پشت‌پرده چندین موسسه مالی- اعتباری و یک رشته صرافی پر رفت و آمد در ایران کفایت نمی‌کند. ماجرا به شهادت تاریخ از پایان جنگ شروع شد و با سرمایه به‌دست آمده از بخش صنایع و معادن و با استفاده از «رانت قدرت»، مجموعه‌ای از دولتمردان آن دوران بر دارایی‌های ملی کشور چنبره زدند. از شرکت‌های نفت و گاز گرفته تا صنایع و معادن یک به یک فتح شد و به‌تدریج به نام ثروت خصوصی این لابی سند زده شد.

پس سرمایه اصلی از صنایع مادر از جمله معادن ملی شامل فولاد و مس و حوزه نفت و گاز تهیه شد و به واسطه آن سایر بخش‌های شبکه دلالی شامل ایرلاین و مجموعه‌ای از شرکت‌های راه‌سازی و بخش حمل‌ونقل و مونتاژ خودرو و واردات ماشین‌آلات و... شکل گرفت.

■ **دزدگیر بی‌عرضه!**

لابی خصوصی قدرت دست‌کم برای پنهان ماندن راه و رسم به قول خودشان «دزدی» هم که شده نیازمند حفظ «توپ قدرت» در درون بودند و دست به دست شدن کرسی‌های ریاست در چنین فضای محرمانه‌ای بسیار پرمخاطره ارزیابی می‌شد. یکی از افراد دیپلمه اما بانفوذ این لابی در یک رویارویی اساسی که متاسفانه به واسطه قدرت‌طلبی تیم مقابل به هدر رفت، خطاب به دانشجویانی که فریاد می‌زدند «دزد را بگیرید!» گفت: «ما دزدیم اما احمدی‌نژاد بی‌عرضه بود و نتوانست ما را بگیرد.» متاسفانه این جمله کاملا حقیقت داشت، چرا که دست‌کم لیست شرکت‌های ملی نفت و گاز و معادن و صنایعی که به علت اطمینان از باقی ماندن در عرصه قدرت «پنهان» نشده بود، امکان برپایی بزرگ‌ترین دادگاه عدالت اقتصادی را به دولتمردان می‌داد اما شعارهای دولت نهم دوامی نیافت و دولت دهم با اهداف و دغدغه‌هایی کاملا متفاوت رخ نمایاند!

■ **غار سرمایه ۴۰ دزد تهران!**

لابی در حاشیه مانده بخشی از سرمایه هنگفت سر به فلک کشیده را پیش از این در بازار مسکن و طلا سرمایه‌گذاری کرده بود. سیاست‌های اقتصادی دولت جدید چنین بازارهایی را به واسطه افزایش عرضه و کاهش تدریجی تقاضا به خطر می‌انداخت. در نتیجه با اهدافی جالب توجه از جمله نهادینه کردن قدرت در فضای غیرشفاف اقتصاد کشور بی‌سر و صدا به حوزه پولی- مالی وارد شدند. چند بانک مشهورشان -که در حوزه خصوصی‌سازی عملیاتی بانک مرکزی در دوره قدرت، به راه انداخته بودند- در دولت نهم تضعیف شده بود. در نتیجه ابتدا در اردیبهشت ۹۰ یک رشته صرافی تضامنی با تخصص در حوزه خرید و فروش ارز غیرالکترونیک و مسکوکات طلا و نقره به راه انداخته و مدتی نگذشت که از میدان فردوسی موازی با جمشید بسم‌الله یک لاقبا، بحران‌های عجیب و غریب ارزی کشور را با کمترین کثیف‌کاری قضایی مدیریت کردند. به علت افزایش حساسیت‌های پس از فتنه ۸۸ و تحریم‌ها خروج سرمایه اضافی از کشور به صلاح نبود پس ثروت ناشی از این ترفند اقتصادی خانمان‌برانداز را صرف راه‌اندازی ده‌ها موسسه مالی و اعتباری کردند. حتی در برخی استان‌ها سهام تعاونی‌های تولیدکنندگان ورشکسته را خریداری کرده و بی‌نام اداره کردند.

■ **کسب مجوز با سرعت نور!**

اکنون بانک مرکزی رسما از وجود ۷۰۰ موسسه مالی و اعتباری غیرمجاز در کشور خبر می‌دهد. هیچ بحثی بر سر تعاونی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه خرده‌پای بدون مجوز نیز وجود ندارد اما در این میان برخی به محض اعلام نام آنها در رسانه‌ها به عنوان موسسات مالی غیرمجاز در عین پرده‌پوشی بانک مرکزی، مسیر قانونی شدن و کسب مجوز را به سرعت طی می‌کنند!

■ **ربا بگیر، نزول بده!**

عبور از بانک مرکزی با چنین سرعتی چگونه ممکن است؟! بنا بر اعلامات رسمی متخصصان اقتصادی و خود بانک مرکزی، موسسات مذکور ابتدا با ارائه تسهیلات کم‌بهره و سود بالای سپرده‌گذاری، در شرایطی که بانک‌های رسمی کشور عبور از هفت‌خان رستم را برای ارائه وام قرض‌الحسنه پیشنهاد می‌دهند، سرمایه مجموعه‌ای از مشتریان گرفتار و مستاصل را جذب می‌کنند. به طور معمول ۵۰ درصد سهم سرمایه موسسات مذکور از جیب مردم و به گفته مراجع از مسیر ربا و نزول‌خواری تامین می‌شود! در فاصله سکوت غیرقانونی بانک مرکزی، شعبات این موسسات همچون قارچ در کشور توسعه یافته و با تغییر نام پیاپی و بلعیدن تعاونی‌های ورشکسته کشاورزان و تولیدکنندگان، هزینه برخورد نهادهایی همچون قوه‌قضائیه را بالا می‌برند. سپس در وقت اضافه برآمده از قدرت لابی نام‌های بزرگ پشت‌پرده، وارد بورس شده و ۵۰ درصد باقیمانده را با پذیره‌نویسی کسب می‌کنند.

■ **از این جیب به اون جیب**

اما چه کسانی حاضر به خرید سهام چنین موسسات مالی فاقد مجوز و نامطمئنی هستند؟! صاحبان صنایع و معادن سودآور، اطمینان‌بخش و ماندگار کشور! در حقیقت اعضای لابی قدرت با قرض گرفتن از آبرو و اعتبار شرکت‌های دست راستی خود برای موسسات بی‌آبروی دست چپی اعتبار تهیه می‌کنند. چه کسی مدیرعامل می‌شود؟ مجموعه‌ای از بازنشستگان قابل اطمینان و خوش‌سابقه سیستم بانکی دولتی کشور!

به این ترتیب چرخه سوداگری و فساد حاصل از پولشویی در بخش تاریک اقتصاد به واسطه بازماندن مسیر اعطای «سودهای بی‌ضابطه» و در دست گرفتن نبض زندگی مردم در همین موسسات مالی هرمی تثبیت می‌شود؛ علاوه بر اینکه قدرت ایجاد توفان‌های سهمگین اقتصادی به واسطه کنترل گلوگاه‌های پولی- مالی کشور در دست لابی مذکور باقی می‌ماند. به این ترتیب مسیری جانبی برای بر زمین زدن هر دولت مردم‌ساخته‌ای در آینده فراهم می‌شود و الزامات برپایی درگیری پر سر و صدا و هزینه‌سازی همچون «فتنه ۸۸»، کمرنگ می‌شود.

■ **شبکه آشکار دلالی**

پس اقتصاد ایران نه با «مافیایی ناشناخته» دست به گریبان است و نه به علت تحریم‌ها شیرازه‌اش از دست رفته است. هر چه هست در لابی فساد امثال «ح - م» قابل بازیابی است که به‌رغم ابطال شخصیت حقوقی‌شان در فتنه ۸۸ کماکان به واسطه فعالیت اقتصادی- سیاسی در صحنه حاضر هستند. آیا راز عدم برخورد بانک مرکزی با موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز و ترانسفر سریع آنها به لیست بانک‌های مجوزدار و قانونی، همین مردان در سایه نیستند؟ آیا پشت‌پرده مخالفت رسمی دولت با «مسکن‌مهر» و تعطیلی این طرح مبتنی بر عرضه، تضعیف سرمایه‌های همین لابی شناخته شده در حوزه مسکن نیست؟ آیا رمز حمایت عملیاتی لابی مذکور از دیپلماسی خارجی دولت تلاش برای رونق مجدد حوزه «واردات» و از دور خارج کردن تولیدکنندگان داخلی رشد یافته طی سال‌های اخیر نیست؟

■ **روشویی و پولشویی**

لابی مورد بحث تاکنون با هدف «روشویی و پولشویی» از چهره دزدانه آشکار خود و انتقال تدریجی قدرت به نسل بعد، علاوه بر تاسیس موسسات مالی، مدیریت مجموعه‌ای از «خیریه»های متنوع را در دستور کار قرار داده است. خیریه‌ها هم امکانی برای شبکه‌سازی اجتماعی فراهم می‌کنند و هم به واسطه بین‌المللی شدن می‌توانند به خط ارتباطی امنی برای مراوده دائمی با سفارتخانه‌های خارجی تبدیل شوند. اگر در اطراف آنها چندین شرکت با ماموریت واردات محصولات مرتبط با موضوع به نام فرزندان ثبت شود که عالی است! «ز - ا» هم‌اکنون مهم‌ترین خیریه خانواده «م» است. خانه‌ای در فرانسه و خط مستقیمی با سفارتخانه‌های اروپایی و چندین شرکت واردات لوازم آزمایشگاهی و پزشکی و دندانپزشکی و ایمپلنت، آورده خوبی برای یک خیریه ایرانی- فرانسوی محسوب می‌شود که در ظاهر تنها «هزینه» به بار می‌آورد!

■ **واردات دانش‌بنیان!**

فعالیت‌های فرزندان لابی مردان مذکور اندکی متفاوت از پدران است. دوره خصوصی‌سازی صنایع و معادن و شرکت‌های نفت و گاز کشور به بهانه اصل ۴۴ دیگر سپری شده و رشوه‌خواری در معاملات نفتی نیز پس از افتضاح «م - ه» دیگر مسیر امنی محسوب نمی‌شود. اکنون دوره واردات تجهیزات پیشرفته و تاسیس شرکت‌های مبتنی بر فناوری‌های نوین است تا مزایده‌های دولتی یکی‌یکی به واسطه بی‌رقیبی به نام شرکت‌های عزیزان به‌صورت کاملا قانونی ثبت شود. دوره شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های نوین وارداتی از چین است! کار اندکی تمیزتر شده و فضای اقتصادی کشور هم آماده اعطای وام‌های چند هزار میلیاردی «بگیر و پس نده» به اسم واردات تجهیزات لوکس و پیشرفته است. اینجا سیسیل نیست و هیچ مافیای ناشناخته‌ای در کار نیست. برای مبارزه با فساد آشکار همت لازم است و عزم راسخ!

بنیاد خیریه غدیر در نظر دارد با انجام امور خیریه و پرداخت قرض الحسنه به تعظیم شعائر غدیر و نشر اندیشه و فرهنگ ولایت بپردازد.
تبرعات مؤمنین برای همیشه در خدمت اینگونه امور ارزشمند باقی خواهد ماند چرا که تنها به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار میگیرد.
با کمک به بنیاد خیریه غدیر اموال خود را در نشر فرهنگ ولایت و غدیر جاودان کنید.

اعضاء هیأت امناء
- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد
- حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی میرلوحی
- سید مرتضی نبوی
- حجت الاسلام و المسلمین کاظم صدیقی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان
- حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- رضا مطلبی کاشانی

سامانه ارتباط پیامکی: ۱۰۰۰۰۰۰۱۸
نشانی تارنما: GHADEER.IR
تلفن: ۸۸۹۹۱۸۰۳ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲
شماره حساب: ۰۱۰۴۱۷۰۴۱۷۰۰۷
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۳۹۲۰۰

میلاد غدیر
شماره ثبت ۳۲۴۸۴
شناسه ملی ۱۰۳۲۰۹۰۳۶۹۷
با هبه اموال خود برای پرداخت قرض الحسنه تا ابد از ثواب این صدقه جاریه بهره مند شوید.

یاد مرگ؛ حرکت‌ساز

آنم آرزوست/ ۱۸۴

ادامه از صفحه اول

آری! یاد مرگ ما را از راحتی و بازنشستگی بازمی‌دارد و به ما می‌گوید تا زنده هستیم، باید عمل کنیم.

پس باید همواره و در همه ساعات روز، یاد مرگ را در درون خود مجسم کنیم، یاد مرگ ما را اهل درد می‌کند، دردمندی، فرزانگی می‌آورد. و این فرزانگی، رابطه ما با دنیا و آخرت را عوض می‌کند. به‌گونه‌ای که نظر و عمل ما یکی می‌شود و آن فکر و اندیشه در جهت تحقق اهداف الهی و عمل بر مقتضای آن است، یعنی حرکت در چارچوب شرع انور. در این صورت است که به‌کلی آرزوهای بلند و حقیر دنیوی در درون ما ریشه‌کن می‌شود، به‌گونه‌ای که برای‌مان تفاوتی ندارد که فردا جزو عمر ما باشد یا پایان آن. این حالت انقلاب روحی در ما ایجاد می‌کند، انقلابی که باعث می‌شود جز برای خدا کار نکنیم. بهتر است از زبان حضرت امام سخن بگوییم که حلاوت آن بیشتر و تأثیر آن قطعی‌تر است:

«پس ای عزیز! بدان که یک سفر پرخطر لازمی در پیش است که عِدّه و عُدّه آن و زاد و راحله آن علم و عمل نافع است، و وقت سفر معلوم نیست چه وقت است، ممکن است وقت خیلی تنگ باشد و فرصت از دست برود. انسان نمی‌داند چه وقت کوس رحیل می‌زنند که باید ناچار کوچ کند... این چه سفر پرخطری است و انسان باید آنی راحتی نداشته باشد و در هرحال مشغول جمع زاد و راحله باشد و دقیقه‌ای ننشیند... خوب است قدری در حال حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، که اشرف خلیفه و معصوم از خطا و نسیان و لغزش و طغیان هستند، تفکر کنیم و بفهمیم که ما در چه حال هستیم و ایشان در چه حال بودند. علم ایشان به بزرگی سفر و خطر آن، از ایشان راحت را سلب کرده و جهل ما، نسیان در ما ایجاد کرده... پس، بدان که سفر خیلی پرخطر است، و این نسیان و فراموشی که در ما است از مکاید نفس و شیطان است، و این امیدها و آمال طولانی و دراز از دام‌های بزرگ ابلیس و از مکاید نفس است. پس، از این خواب برخیز و تیقظ و تنبه پیدا کن. بدان که مسافری و دارای مقصدی. مقصد تو عالم دیگر است و تو را از این عالم خواهی نخواهی می‌برند. اگر تهیه سفر و زاد و راحله آن را دیدی، در این سفر درمانده نشوی و در این سیر بی‌چاره نشوی، و الا فقیر و بی‌چاره و بینوا گردی و خواهی رفت به سوی شقاوتی که سعادت ندارد، ذلتی که عزت ندارد، فقری که غنا دنبالش نیست، عذابی که راحت ندارد، آتشی که خاموشی پیدا نکند، فشاری که برطرف شدن ندارد، حزن و اندوهی که خوشحالی در پی آن نیست، حسرت و ندامتی که آخر ندارد». [چهل حدیث: صص ۱۸۷ ـ ۱۸۵]

***امام جمعه شمیرانات**